

فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی - فرهنگی، دوره‌ی سوم، شماره‌ی ۳، زمستان ۹۳، صفحات ۶۱-۹۰

بررسی میزان انواع سه‌گانه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی (مورد مطالعه؛ جوانان استان ایلام ۱۳۹۲)

یارمحمد قاسمی^۱، بهروز سپیدنامه^۲، اسحاق قیصریان^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۵/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۲۳

چکیده

مقدمه: جوانان به عنوان مهم‌ترین سرمایه‌ی انسانی نقشی اساسی در توسعه‌ی هر جامعه ایفا می‌کنند و سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان مهم‌تری آن مقوله در افزایش عملکرد جوانان و تعالی نقش آنان در بهسازی جامعه به شمار می‌رود. کاهش میزان سرمایه‌ی اجتماعی جوانان منجر به کم رنگ شدن نقش آنان در توسعه‌ی جامعه خواهد شد. بر این اساس اطلاع از میزان سرمایه‌ی اجتماعی جوانان می‌تواند برنامه‌ریزان اجتماعی را در رفع کاستی‌ها یاری رساند. مقاله‌ی حاضر برای پاسخ‌دادن به این سؤال محوری تنظیم شده است: میزان انواع سه‌گانه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی جوانان استان ایلام در چه حدی است؟ مبنای نظری مقاله، تئوری‌هایی است که سرمایه‌ی اجتماعی را در سه بُعد درون گروهی، برون‌گروهی و ارتباطی تبیین کرده‌اند.

روش: روش تحقیق از نوع توصیفی کاربردی است و اطلاعات آماری با نمونه‌گیری از جامعه‌ی آماری جوانان استان و با بهره‌گیری از نمونه‌گیری طبق متناسب با حجم جمع آوری شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش، نشان می‌دهد میانگین سرمایه‌ی اجتماعی جوانان استان ایلام در حد متوسط است. میانگین سرمایه‌ی اجتماعی دو جنس نیز تفاوت چندانی با یکدیگر ندارد. بیش‌ترین سطح سرمایه‌ی اجتماعی جوانان مربوط به مشارکت سیاسی، وساطت اجتماعی و کم‌ترین آن مربوط به میزان بهره‌گیری از رسانه‌های ارتباط جمعی، مشارکت انجمنی و مداخله مدنی است. رتبه‌بندی انواع سه‌گانه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی به ترتیب میانگین نمرات کسب شده شامل: سرمایه‌ی ارتباطی، درون‌گروهی و برون‌گروهی است. میانگین هر کدام از انواع سرمایه‌ی اجتماعی نزد پاسخ‌گویان در حد متوسط است.

بحث: میان میزان سرمایه‌ی اجتماعی پاسخ‌گویان زن و مرد تفاوت معنی‌داری مشاهده شده است هر چند که سطح معنی‌داری بیان‌کننده‌ی وجود تفاوت میان میزان سرمایه‌ی اجتماعی مردان (۲/۸۸) و زنان (۲/۸۰) و اختلاف میانگین به میزان ۰/۸۵ به نفع مردان است. سایر فرضیات تحقیق که داعیه‌دار وجود رابطه میان: محل سکونت (شهر - روستا)، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال، در قید حیات بودن والدین، محل سکونت قبلی و سابقه‌ی سکونت در محله و سرمایه‌ی اجتماعی‌اند، مورد تأیید قرار نگرفتند.

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، امنیت اجتماعی

ym_ghasemi2004@yahoo.com

^۱ دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری و عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه ایلام

bsepeadnameh@yahoo.com

ghaysaryane@gmail.com

^۳ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی - مدرس مدعو دانشگاه ایلام

مقدمه و طرح مسأله

رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و جوانان از موضوعات مهمی است که امروزه مدّ نظر بسیاری از پژوهشگران است. جوانان، مهم‌ترین پیش‌نیاز و هم‌چنین اساسی‌ترین ابزار و الزام برای توسعه‌ی موزون و پایدار کشور هستند؛ از سوی دیگر، مهم‌ترین هدف برنامه‌ی توسعه‌ی کشور و تحقق اهداف چشم‌انداز، انباشت سرمایه‌ی انسانی و اجتماعی بیش از امروز، خود راهبر کردن مردم به ویژه جوانان و برخورداری آن‌ها از افق‌های برتر فکری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که این خود در گرو نوع نگرش به نقش امروزی جوانان و میزان اهتمام به توان‌مندسازی و سرمایه‌گذاری برای آنان در ابعاد فکری، روانی، جسمی و اجتماعی است. به سخن دیگر، به هر میزان که برای بهبود کارآمدی سرمایه‌ی انسانی و اجتماعی امروزین جوانان اقدام شود، کشور می‌تواند در آینده به افق بالاتر و برتری از چشم‌انداز توسعه و پیشرفت داخلی و جهانی دست یابد (غفاری، ۱۳۸۵).

در بسیاری از کشورهای غربی، مردم برای جزیی‌ترین مسائل اشتراکی جامعه، گروه و انجمن تشکیل می‌دهند؛ اما در ایران، کم بودن این ارتباطات و البته کارایی نامطلوب و غیرکارکردی کانون‌ها و انجمن‌های صنفی یا گروهی، قابل توجه و ملموس است. انسان‌هایی که عضوی از یک کانون کوچک اعم از روستا، انجمن، گروه و شبکه هستند، در ارتباط با دیگر اعضای گروه، احساس هم‌دلی، هم‌کاری، مسؤولیت و اعتماد داشته، در عین حال، یکدیگر را به کارها و هنجارهای جمعی تشویق می‌کنند و اطلاعات لازم را جهت کسب منافع مشترک، در اختیار یکدیگر قرار می‌دهند. بنابراین، شاید بتوان گفت که سرمایه‌ی اجتماعی، تنها در درون گروه، انجمن یا شبکه اجتماعی تولید می‌شود. سطوح مختلفی از این مشارکت در گروه‌ها را می‌توان در جوامع، نشان داد، مثل سطح فردی یا خرد که در واقع، هم‌کاری و رابطه دوستانه افراد با یکدیگر با کمیتی محدود است. دیگر، سطح میانی است، مثل هم‌کاری و مشارکت اعضا در گروه‌های خاص و سطح دیگر - که گسترده‌تر و کلان محسوب می‌شود - مشارکت و تعامل مطلوب فرد با نهادها و سازمان‌های اجتماعی است.

بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد هر چند شهروندان تا حدّودی از لحاظ ذهنی آماده‌ی مشارکت هستند؛ اگر سطوح کلان مانع شکل‌گیری شبکه‌ی تعاملات اجتماعی باشند ما شاهد تحقق سرمایه‌ی اجتماعی چه در بُعد ذهنی (اعتماد) و چه در بُعد عینی (شبکه‌ی تعاملات یا روابط اجتماعی) نخواهیم بود (موسوی، ۱۳۸۵: ۸۹).

میزان سرمایه‌ی اجتماعی در ایران در مجموع از لحاظ اغلب مؤلفه‌های چندگانه و شاخص‌های عدیده مرتبط با آن‌ها پایین است. میزان آن در زمینه‌ی روابط انجمنی به ویژه قبول مسؤولیت اجرایی در نهادهای مدنی یا کمک فکری به آن‌ها بسیار پایین است. این امر نشان می‌دهد در ایران امروزی کمتر کسی به دنبال تغییر جمعی است، در متغیر هنجارها و اعتماد اجتماعی به‌ویژه به نهاد و گروه‌های اجتماعی خوب است، ولی اطمینان مردم از رعایت حقوق و تکالیف شهروندی پایین است.

در بُعد پیوندها و اعتماد میان فردی هم سرمایه‌ی اجتماعی از لحاظ رفت و آمد ارتباطات بالا ولی در زمینه احساس دوستی و تعلق به دیگران و شرکت در فعالیت‌های جمعی آنان پایین است. در بُعد هم‌بستگی و انسجام اجتماعی هم سرمایه‌ی اجتماعی در ایران از لحاظ میزان پذیرش اجتماعی و مدارای درون قومی و مذهبی خوب، ولی در زمینه‌ی انسجام میان‌قومی پایین است. بنابراین می‌توان گفت که وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی به جز در مواردی استثنایی که آن هم مربوط به جنبه‌ی سنتی و سرمایه‌ی اجتماعی قدیم می‌شود، در اغلب موارد به ویژه در بُعد روابط انجمنی که از مؤلفه‌های اصلی سرمایه‌ی اجتماعی جدید به شمار می‌رود، چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد (عبداللهی، ۱۳۸۶: ۲۱۶).

می‌توان گفت که در ایران، سرمایه‌ی اجتماعی قدیم یا درون گروهی، بیش‌تر از سرمایه‌ی اجتماعی جدید یا میان‌گروهی است. هرچه از سطح خانواده به سطوح بالاتر یعنی خویشاوندان، دوستان، هم‌کاران، همسایگان، هم‌محله‌ها، هم‌شهریان و هم‌وطنان حرکت کنیم، از میزان سرمایه‌ی اجتماعی کاسته می‌شود. این کاهش در زمینه‌های مشارکت جمعی و اعتماد اجتماعی بیش‌تر است. بنابراین دور از انتظار نخواهد بود که سرمایه‌ی اجتماعی در مراکز کمتر توسعه‌یافته بیش‌تر از مراکز توسعه‌یافته است. غالب بودن سرمایه‌ی اجتماعی قدیم در ایران می‌تواند مفید باشد و نقش مثبتی در تسهیل کنش‌های افراد و پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی داشته باشد؛ ولی در شهرهایی که این سرمایه‌ی اجتماعی قدیم از میان رفته نمی‌توان انتظار داشت دوباره همین سرمایه‌ی اجتماعی به‌وجود آید.

سرمایه‌ی اجتماعی در جوامع سنتی (ما قبل مدرن) بیش‌تر جنبه‌ی درون‌گروهی توأم با اعتماد اجتماعی محدود و خاص داشته است که امروز آن را سرمایه‌ی اجتماعی قدیم می‌شناسند. در جوامع مدرن با نوع دیگری از سرمایه‌ی اجتماعی سروکار داریم که بیش‌تر جنبه‌ی گروهی توأم با اعتماد اجتماعی تعمیم یافته و عام دارد که از آن با عنوان سرمایه‌ی اجتماعی جدید نام می‌برند. در

جوامع در حال گذار امروزی مانند ایران که به تبع ارتباط با جهان مدرن و اجرای برنامه‌های نوسازی از بالا توسط دولت‌ها، سرمایه‌ی اجتماعی قدیم دچار فرسایش گردیده و سرمایه‌ی اجتماعی جدید هم آن طوری که باید شکل نگرفته است، بنابراین با نوعی نابسامانی اجتماعی در سطوح کلان و فردی سروکار داریم که معرف پیدایش گسل‌ها و گسست‌های اجتماعی و منبع اصلی زایش و انواع مسائل و آسیب‌های اجتماعی است (همان: ۱۹۷). سرمایه‌ی اجتماعی، پدیده‌ای است که آحاد جامعه را شامل می‌شود اما میزان آن در میان نسل جوان از اهمیت ویژه برخوردار است.

بر اساس آمارهای موجود در سرشماری سال ۱۳۹۰ جمعیت جوان استان ایلام، ۱۹۷۰۶۵ نفر بوده که از این تعداد ۹۹۲۷۴ نفر پسر (۴۹/۶) و ۹۷۷۹۱ نفر دختر (۵۰/۶) تشکیل می‌دهد و سهم جمعیت جوان استان از کل جمعیت استان ایلام، ۳۸/۵ درصد بوده است. استان ایلام از لحاظ سهم جمعیت جوان کشور رتبه‌ی نخست را دارد. میزان رشد مطلق جمعیت جوان استان ۳/۹۶ درصد بوده که ۰/۲۲ درصد از متوسط کشوری بیش‌تر بوده است. چنین امری ضرورت پژوهش در خصوص میزان سرمایه‌ی اجتماعی را در میان جوانان استان دو چندان ساخته است. بر این اساس محقق درصدد پاسخ دادن به این سؤال است که: میزان سرمایه‌ی اجتماعی در میان جوانان استان چه قدر است؟ ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی در میان جوانان استان با توجه به متغیرهای زمینه‌ای چگونه است؟

پیشینه و چارچوب نظری

سرمایه‌ی اجتماعی اصطلاحی است که به طور عادی و روزمره مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ اگرچه تصویری که از مفهوم آن وجود دارد، اغلب در حد ناچیزی است. سرمایه‌ی اجتماعی سرمایه‌ی اجتماعی مفهومی قدیمی است؛ اما تنها اصطلاحی است که اخیراً به خوبی ابداع شده است (پاتنام، ۱۹۹۵؛ لایونت، ۱۹۹۹). جین جاکوب در کتاب «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی»^۱ سرمایه‌ی اجتماعی را شبکه‌های اجتماعی فشرده‌ای می‌داند که در محدوده‌های قدیمی شهری در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروی انتظامی، مسؤولیت بیش‌تری از خود نشان می‌دهند.

^۱ Death and Life of Great American Cities by JANE JACOBS

راتلج و آمسبرگ در سال ۲۰۰۳ اثبات کرده‌اند هانیفان اصلاح سرمایه را مخصوصاً برای روشن شدن اهمیت ساختار اجتماعی برای مردم به لحاظ اقتصادی و تجاری به کار برد. وول‌کوک و نارایان در سال ۲۰۰۰ به تشریح جزئیات بیش‌تری از کار هانیفان پرداختند (وول‌کوک و نارایان، ۲۰۰۰).

«گلن لوری»، سرمایه‌ی اجتماعی را مجموع منابعی می‌داند که در ذات روابط خانوادگی و در سازمان اجتماعی جامعه وجود دارد و برای رشد شناختی یا اجتماعی کودک یا جوان سودمند است (ساروخانی و کلاریجانی، اینترنت).

«بورديو»^۱ سرمایه‌ی اجتماعی را از سایر انواع سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و نمادین متمایز می‌سازد و برای آن خصلتی ساختاری و معاملاتی تعیین می‌کند. وی سرمایه‌ی اجتماعی را شبکه‌ی نسبتاً با دوام، از روابط کمابیش نهادینه شده و تعهدات آن از جمله اعتماد متقابل می‌داند که به عنوان منابعی بالفعل یا بالقوه موجب تسهیل کنش‌های فردی یا جمعی کنش‌گر می‌شود (همان).

از نظر کلمن، سرمایه‌ی اجتماعی شامل یک چارچوب اجتماعی است که موجب تسهیل روابط میان افراد درون این چارچوب می‌شود؛ به گونه‌ای که فقدان آن ممکن است در دستیابی به هدف معین هزینه بیش‌تری به افراد آن جامعه تحمیل کند (همان).

از نظر «پاتنام»^۲، سرمایه‌ی اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای مؤثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب کنند. به بیان دقیق‌تر سرمایه‌ی اجتماعی از طریق افزایش هزینه‌های بالقوه‌ی جدا شدن، تقویت هنجارهای مستحکم بده - بستان، تسهیل جریان اطلاعات از جمله اطلاعات مربوط به شهرت کنش‌گران و تجسم موفقیت‌های گذشته سعی دارد به تحقق کنش جمعی کمک کند (معینی و تشکر، ۱۳۸۱:۳).

اصطلاح سرمایه‌ی اجتماعی به سرمایه‌هایی از قبیل اعتماد اجتماعی، هنجارها و شبکه‌هایی که مردم برای حل مشکلات عمومی ترسیم می‌کنند، گفته می‌شود (آدام و رونسویک، ۲۰۰۳).

پاتنام در یک طبقه‌بندی سرمایه‌ی اجتماعی محدود^۳ را در مقابل اتصالی^۴ مطرح می‌کند. سرمایه‌ی اجتماعی محدود، نوعی از سرمایه‌ی اجتماعی است که مردمی را که از جهات مهمی مثل

¹ Bourdieu, P

² Robert Patnam

³ Bonding Social Capital

⁴ Bridging Social Capital

قومیت، سن، جنسیت، طبقه‌ی اجتماعی و نظایر آن شبیه هستند، به یک‌دیگر پیوند می‌دهد. این شکل از سرمایه‌ی اجتماعی در گروه‌های هم‌گون دیده می‌شود که می‌تواند به شکل‌گیری هویت انحصاری^۱ و تنگ نظر^۲ بینجامد. در مقابل سرمایه‌ی اجتماعی اتّصالی بر شبکه‌های اجتماعی اشاره دارد که افراد غیر مشابه از بخش‌های گوناگون جامعه را به یک‌دیگر مرتبط می‌کند و می‌تواند هویت‌های باز و فارغ از تعصب را موجب شود، این نوع سرمایه از طرفی هنجارهای تعمیم یافته را بر می‌انگیزد و از طرف دیگر دستیابی به منابع موجود در شبکه‌های وسیع‌تر و انتشار اطلاعات را ممکن می‌کند. بنابر این آثار بیرونی مثبت سرمایه‌ی اجتماعی بیش‌تر در این نوع محتمل است. اما سرمایه‌ی اجتماعی محدود ضمن این که موجب هم‌بستگی در میان اعضای گروه می‌شود و حمایت‌های اجتماعی - روانی مهمی را برای اعضا فراهم می‌سازد، ممکن است با ایجاد وفاداری‌های قوی درون گروهی موجب ضدیت‌های برون‌گروهی نیز بشود. لذا آثار بیرونی منفی بیش‌تری احتمال دارد در این نوع سرمایه‌ی اجتماعی بروز یابد و اگر چه در بیش‌تر شرایط هر دو نوع سرمایه می‌توانند تأثیرات قوی و مثبت اجتماعی به دنبال داشته باشند. اما در صورت ضعف سرمایه‌ی اتّصالی یعنی ضعف ارتباط گروه‌ها و بخش‌های مختلف با یک‌دیگر، انسجام اجتماعی جامعه در معرض خطر بوده و می‌تواند در برخی موارد موجب از هم گسیختگی جامعه شود (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۱۸).

«فوکویاما»^۳ سرمایه‌ی اجتماعی را مجموعه‌ی معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیر رسمی تعریف کرد، که اعضای گروهی که هم‌کاری و تعاون میانشان مجاز است در آن سهیم هستند. هنجارهایی که تولید سرمایه‌ی اجتماعی می‌کنند، اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دو جانبه باشند. فوکویاما مانند پاتنام، هنجارهای همیاری را شالوده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی معرفی می‌کند (همان: ۲۱).

از نظر «نان لین»^۴ منابع ارزشمند در اکثر جوامع ثروت، قدرت و پایگاه اجتماعی است و لذا سرمایه‌ی اجتماعی افراد را بر حسب میزان یا تنوع ویژگی‌های دیگرانی که فرد با آنها پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم دارد قابل سنجش می‌داند (همان: ۱۰).

¹ Exclusive

² Narrow Selves

³ Francis Fukuyama

⁴ Nan Lin

«وولکاک و نارایان»^۱ با استفاده از دیدگاه هم‌افزایی^۲ برای بررسی جامع‌تر سرمایه‌ی اجتماعی آن را در سه بعد مورد ارزیابی قرار می‌دهند. این ابعاد عبارت‌اند از:

۱- سرمایه‌ی اجتماعی محدود یا درون‌گروهی

۲- سرمایه‌ی اجتماعی اتّصالی یا برون‌گروهی

۳- سرمایه‌ی اجتماعی ارتباطی

سرمایه‌ی اجتماعی محدود به پیوندهای اجتماعی اشاره دارد که بر تشابه و صمیمیت استوار هستند. در این بُعد از سرمایه‌ی اجتماعی بر منافع شخصی محدود مثل پیوندهای خانوادگی، همسایگی و پیوندهای دوستی نزدیک تأکید می‌شود.

سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی به آن نوع ارتباطاتی اشاره دارد که در میان افراد به جای اتّکا به نزدیکی‌های شخصی و هویت مشترک، بر علایق مشترک متکی است. نمودهای عمده‌ی این بُعد از سرمایه‌ی اجتماعی را می‌توان در شبکه‌های اجتماعی و عضویت در انجمن‌ها و گروه‌های غیرمحلّی مشاهده کرد. تقویت اتّصال با منابع خارجی و تسهیل انتشار اطلاعات دو کارکرد اصلی سرمایه‌ی اجتماعی اتّصالی هستند.

سرمایه‌ی اجتماعی ارتباطی به‌طور اخصّ به پیوندهای اجتماعات و افراد با قدرت رسمی اشاره دارد و به‌طور اعمّ به ارتباطات میان افراد و گروه‌هایی اشاره دارد که در ساختار قدرت موقعیت‌های متفاوتی را اشغال می‌کنند. این نوع پیوندها در ارتباط با اعتماد به حکمرانی^۳ و نظام‌های کارشناسی^۴ هستند. بر خلاف دو نوع قبلی، این نوع سرمایه صرفاً بر ارتباطات عمودی اشاره دارد. کارکرد اصلی این نوع سرمایه را باید در دسترسی افراد و گروه‌ها به بخش‌های مختلف دولتی، غیر دولتی، تجاری و بازرگانی دید (غفاری و اونق، ۱۳۸۵: ۱۶۷).

پاکستون (۱۹۹۹)، بیان می‌کند که سرمایه‌ی اجتماعی متشکل از دو مؤلفه است. پیوندهای عینی میان افراد و پیوندهای ذهنی میان افراد که باید ویژه، دوجانبه و مورد اعتماد و مستلزم احساس مثبت باشد.

¹ Woolcock & Narayan

² Senergy

³ Governace

⁴ Expert Systems

شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی

(۱) اعتماد^۱

اعتماد انتظاری است که از یک جامعه برخوردار از رفتار منظم، دارای روابط صادقانه و مبتنی بر تعاون بر می‌خیزد. جزء لاینفک تمامی تعاریف سرمایه‌ی اجتماعی و نوعی تمایل برای خطر پذیری و ریسک در یک متن اجتماعی است. این خطرپذیری با این اطمینان صورت می‌گیرد که دیگران آن‌گونه که از آن‌ها انتظار می‌رود واکنش نشان می‌دهند و متقابلاً حمایت خود را نشان می‌دهند (روشنفکر و ذکایی، ۱۳۸۴: ۹).

(۲) مشارکت^۲

مشارکت فرایندی است که در برگیرنده‌ی انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه تأثیر گذاردن بر تصمیم‌گیری درباره‌ی امور عمومی است (محسنی تبریزی، ۱۹۹۶: ۵۴). قسمت عمده‌ای از مشارکت افراد در شبکه‌های اجتماعی نمود می‌یابد.

جزء اساسی سرمایه‌ی اجتماعی شبکه‌ی^۳ کما بیش متراکم و به هم پیوسته‌ای از روابط میان افراد و گروه‌هاست. وجود طیفی از انجمن‌های موازی امکان ارتباط بهتر افراد را با شبکه‌ی اجتماعی وسیع فراهم می‌کند. به شرطی که این گونه انجمن‌ها هم بر اساس عضویت داوطلبانه باشد و هم اهداف آن انعطاف‌پذیر و از طریق اجماع افراد تعیین شود (همان: ۳۲).

از نظر جامعه‌شناسان عضویت در شبکه‌ها باعث ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی برای افراد می‌شود و رفاه و آسایش و کیفیت زندگی را برای افراد ایجاد می‌کند. اجتماعاتی که از شبکه‌های اجتماعی و انجمن‌های مدنی زیادی برخوردارند، به هنگام مواجهه با فقر و آسیب‌پذیری حل و فصل منازعات و بهره‌مندی از فرصت‌های جدید از موضع محکم‌تری برخوردارند. در مقابل فقدان پیوندهای اجتماعی می‌تواند تأثیر معکوس داشته باشد (جلیلی، روی خط اینترنت).

(۳) آگاهی^۴ و اطلاعات

فالک و پاتریک^۵ در سال ۱۹۹۹ آگاهی را به عنوان یکی از شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی معرفی کردند. آگاهی از مسائل و عوامل عمومی از عوامل مؤثر بر روابط اجتماعی است. در صورتی که در جامعه شاهد عدالت اجتماعی و توزیع درست اطلاعات در نزد مردم نباشیم در

¹ Trust² Participation³ Networks⁴ Knowledge⁵ Kilpatrick, S & Falk. L

حقیقت عامل سرمایه‌ی اجتماعی تحقق پیدا نخواهد کرد که خود بر مشارکت افراد تأثیر گذار است (باغینی، ۱۳۸۷: ۶۹).

(۴) هنجارهای اجتماعی^۱

هنجارهای اجتماعی، شکلی از کنترل اجتماعی غیر رسمی را فراهم می‌کنند و جایگزین تضمین‌های حقوقی نهادی شده و کاملاً رسمی می‌گردند. هنگامی که میزان اعتماد پایین است و هنجارهای اجتماعی کافی نیستند، افراد تنها تحت قواعد و تعهدات خاصی در کارهای مشترک حاضر به همکاری خواهند بود. این هم‌کاری مستلزم چانه زنی، توافق و اجرا شدن گاه با استفاده از زور است که خود هزینه‌ی مبادله‌ی زیادی در بر خواهد داشت (روشنفکر و ذکابی، ۱۳۸۴: ۹).
در این پژوهش، شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی در چهار بُعد: هنجارها، اطلاعات و آگاهی، احساس امنیت، مشارکت و اعتماد مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

سؤالات تحقیق:

- (۱) میزان سرمایه‌ی اجتماعی با توجه به شاخص‌های آن در میان پاسخ‌گویان تا چه اندازه است؟
- (۲) وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی در سه نوع ارتباطی، درون گروهی و برون گروهی در میان پاسخ‌گویان چگونه است؟

فرضیات تحقیق:

- (۱) میان میزان سرمایه‌ی اجتماعی پاسخ‌گویان بر اساس متغیرهای: جنس، محل سکونت، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال، در قید حیات بودن والدین و محل سکونت قبلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛
- (۲) میان بُعد خانوار، سابقه‌ی سکونت در محله و میزان سرمایه‌ی اجتماعی پاسخ‌گویان هم‌بستگی معنی‌داری وجود دارد.

^۱ Social Norms

روش شناسی

روش تحقیق مورد استفاده، کاربردی توصیفی است. اطلاعات از طریق پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته جمع‌آوری شدند. روایی صوری^۱ ابزار از طریق ارائه به افراد صاحب نظر بررسی و پایایی^۲ آن با آلفای کرونباخ محاسبه شد. جامعه‌ی آماری شامل تمامی جوانان استان ایلام (۱۸-۲۹ ساله) به تعداد ۱۹۷۰۶۵ (۹۹۲۷۴ نفر پسر و ۹۷۷۹۱ دختر) و نمونه‌ی آماری شامل تعداد ۴۳۰ نفر است که از طریق فرمول نمونه‌گیری کوکران، با احتساب احتمال کاهش (اُفت) نمونه برآورد شد و از روش نمونه‌گیری مطابق نسبی نسبت به انتخاب افراد اقدام لازم به عمل آمد. برای داده‌پردازی آماری، از آزمون‌هایی نظیر: ضریب هم‌بستگی، تحلیل واریانس درون‌گروهی و برون‌گروهی، آزمون تی مستقل استفاده شده است.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل اطلاعات

۱- میزان سرمایه‌ی اجتماعی جوانان تا چه اندازه است؟

میانگین کل سرمایه‌ی اجتماعی جوانان استان ایلام ۲/۸۴ و در حد متوسط است. میزان سرمایه‌ی اجتماعی دو جنس (زنان ۲/۸۰ و مردان ۲/۸۸) نیز تفاوت چندانی با یکدیگر ندارد، اما در این میان میانگین سرمایه‌ی اجتماعی مردان اندکی بیش‌تر از زنان است. از لحاظ رتبه‌بندی میانگین ابعاد مختلف سرمایه‌ی اجتماعی، تفاوتی میان رتبه‌های زنان و مردان مشاهده نشده و جوانان به ترتیب: احساس امنیت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، مشارکت اجتماعی و آگاهی و اطلاع را در رده‌های اول تا پنجم قرار داده‌اند. میانگین ابعاد مختلف سرمایه‌ی اجتماعی نزد پاسخ‌گویان مرد به جز یک مورد (احساس امنیت اجتماعی) در بقیه بیش‌تر از زنان است. با این وجود میزان احساس امنیت محلی زنان بیش‌تر از مردان است اما این نسبت در احساس امنیت عمومی بر عکس است. بیش‌ترین سطح سرمایه‌ی اجتماعی جوانان مربوط به مشارکت سیاسی و وساطت اجتماعی و کم‌ترین آن مربوط به میزان بهره‌گیری از رسانه‌های ارتباط جمعی، مشارکت انجمنی و مداخله‌ی مدنی است.

¹ Face Validity

² Reliability

جدول شماره‌ی دو- رتبه‌بندی ابعاد مختلف سرمایه‌ی اجتماعی (دامنه‌ی نمره از یک تا پنج)

سطح	کل	مرد	زن	ابعاد
بالا	۳/۶۷	۳/۸۲	۳/۵۲	مشارکت سیاسی
متوسط	۳/۶۶	۳/۷۱	۳/۶۱	وساطت اجتماعی
متوسط	۳/۵۵	۳/۴۱	۳/۶۶	احساس امنیت محلی
متوسط	۳/۳۵	۳/۳۴	۳/۳۶	تصور مثبت
متوسط	۳/۳۰	۳/۲۸	۳/۳۲	ارزش زندگی
متوسط	۳/۲۲	۳/۳۶	۳/۰۸	میزان و اطلاع آگاهی
متوسط	۳/۱۸	۳/۱۱	۳/۲۵	اعتماد نهادی
متوسط	۳/۱۳	۳/۲۱	۳/۰۵	مشارکت عمومی
متوسط	۳/۱۳	۳/۱۶	۳/۰۹	احساس امنیت عمومی
متوسط	۳/۰۸	۳/۲۲	۲/۹۵	اعتماد فردی
متوسط	۲/۸۸	۳/۹۲	۲/۸۳	حمایت اجتماعی
متوسط	۲/۸۱	۲/۹۱	۲/۷۲	شعاع ارتباطات
متوسط	۲/۷۹	۲/۷۷	۲/۸۱	اعتماد به اصناف
متوسط	۲/۷۱	۲/۷۸	۲/۶۴	اعتماد عمومی
متوسط	۲/۵۲	۲/۵۶	۲/۴۷	همبازی اجتماعی
کم	۱/۷۹	۱/۸۴	۱/۷۴	میزان استفاده از منابع
کم	۱/۳۱	۱/۳۴	۱/۲۳	مشارکت انجمنی
کم	۱/۱۷	۱/۲۴	۱/۰۷	مداخله‌ی مدنی

۲- میزان سرمایه‌ی اجتماعی در سه نوع درون‌گروهی، برون‌گروهی و ارتباطی میان جوانان چه قدر است؟

انواع مختلف سرمایه‌ی اجتماعی به ترتیب میانگین نمرات کسب شده شامل: سرمایه‌ی ارتباطی (۲/۶۹)، درون‌گروهی (۲/۶۲) و برون‌گروهی (۲/۵۸) است. میانگین هر کدام از انواع سرمایه‌ی اجتماعی نزد پاسخ‌گویان در حد متوسط است. رتبه‌بندی پاسخ‌گویان مرد و زن در یک مورد با یک‌دیگر متفاوت است. اولویت‌بندی مردان به ترتیب شامل، سرمایه‌ی ارتباطی، درون‌گروهی و برون‌گروهی است. اما زنان بعد از سرمایه‌ی ارتباطی، سرمایه‌ی برون‌گروهی و درون‌گروهی را قرار داده‌اند.

جدول شماره‌ی سه - میانگین انواع مختلف سرمایه‌ی اجتماعی در دو جنس

ابعاد	زن	مرد	کل	سطح
درون گروهی	۲/۵۰	۲/۷۵	۲/۶۲	متوسط
برون گروهی	۲/۵۸	۲/۵۸	۲/۵۸	متوسط
ارتباطی	۲/۶۳	۲/۷۶	۲/۶۹	متوسط

۳) میزان اعتماد اجتماعی پاسخ‌گویان تا چه اندازه است؟

میانگین اعتماد اجتماعی زنان ۳/۰۰۲ (متوسط)، مردان ۳/۰۴۴ (متوسط) و میزان کل اعتماد اجتماعی پاسخ‌گویان (۳/۰۲۲) در حدّ متوسط است. میان رتبه بندی ابعاد مختلف اعتماد اجتماعی زنان و مردان تفاوت چندانی مشاهده نمی‌شود. با این وجود مردان اعتماد فردی را در رده‌ی دوم اهمیت و زنان در رده‌ی سوم قرار داده‌اند. از سویی دیگر زنان، اعتماد نهادی را در رده‌ی دوم اما مردان در رده‌ی سوم دانسته‌اند. به عبارتی دیگر مردان نسبت به زنان به خانواده اعتماد بیش‌تری داشته‌اند و اعتماد زنان به نهادها بیش‌تر از مردان بوده است.

اعتماد به اصناف در نزد پاسخ‌گویان در رده‌های آخر قرار گرفته است اما تصوّر مثبت جوانان به دوستان و محله‌ی زندگی در اولویت اول قرار دارد.

از لحاظ اعتماد فردی: پاسخ‌گویان بیش‌ترین اعتماد را به افراد خانواده داشته‌اند. اعتماد جوانان به بستگان و دوستان و همسایه‌ها در حدّ متوسط بوده و اعتماد آنان به هم محله‌ای‌ها در حدّ کم ارزیابی شده است.

از لحاظ اعتماد نهادی پاسخ‌گویان به ترتیب به: پلیس راهنمایی و رانندگی، پست، نیروی انتظامی، مراکز آموزشی، بیمارستان‌ها، مخابرات، بانک‌ها و دادگاه‌ها، صدا و سیما، شهرداری و مطبوعات کشوری، مطبوعات محلی و شورای شهر در حدّ متوسط اعتماد داشته‌اند.

اعتماد پاسخ‌گویان به اصناف به ترتیب شامل اعتماد به پزشکان، دندان پزشکان، رانندگان آژانس، رفتگران، رانندگان وسایل عمومی و کسبه و بازاریان است که در حدّ متوسط است؛ اما اعتماد آنان به بنگاه‌داران در حدّ پایین و اندک است.

در خصوص اعتماد عمومی به جز اعتماد به افراد غریبه و ناشناس که در حدّ پایینی است پاسخ‌گویان سایر ابعاد اعتماد عمومی را به ترتیب رتبه شامل: امانتداری مردم، التزام مردم، قول و قرار، عدم سوءاستفاده در کار گروهی و صداقت گفتار مردم را در حدّ متوسط دانسته‌اند.

به طور کلی پاسخ‌گویان تمامی ابعاد مختلف تصوّر مثبت از محله را در حدّ متوسط دانسته‌اند. در این میان احساس رضایت و احساس آرامش آنان از محله در سطح بالا و ویژگی امانت داری، عمل به قول و صداقت گفتار افراد محله را در حدّ متوسط ارزیابی کرده‌اند. پاسخ‌گویان در حدّ متوسط نسبت به دوستان خود تصوّر مثبت داشته‌اند. خوش‌رفتاری بارزترین صفت دوستان خود دانسته و رازداری را در آن‌ها کم‌تر از بقیه‌ی صفات می‌دانند.

۴- میزان مشارکت اجتماعی پاسخ‌گویان تا چه اندازه است؟

میانگین مشارکت اجتماعی پاسخ‌گویان زن ۲/۶ (متوسط) پاسخ‌گویان مرد ۲/۷۹ (متوسط) و میانگین کل مشارکت اجتماعی ۲/۷۰ (متوسط) است. به طور کلی میانگین مشارکت اجتماعی مردان جوان بیش‌تر از زنان جوان است

مشارکت انجمنی پاسخ‌گویان (۲/۷۰) متوسط است. ضمناً میان رتبه‌بندی سطوح مختلف مشارکت زنان و مردان تفاوتی مشاهده نشده و هر دو جنس به ترتیب میانگین، مشارکت سیاسی، عمومی و انجمنی را در رده‌های اول تا سوم قرار داده‌اند. در این میان سهم مشارکت سیاسی آنان بالا، اما سهم مشارکت انجمنی‌شان کم است.

به‌طور کلی میزان مشارکت عمومی جوانان در حدّ متوسط است، اما در این میان میزان مشارکت عمومی آنان به ترتیب میانگین و رتبه عبارت‌اند از: رفتن به کوه و پارک، شرکت در میهمانی فامیلی، حضور در مراسم روضه در مسجد، شرکت در مراسم فاتحه، شرکت در مراسم شادی همسایگان و شرکت در برنامه‌های شاد در مسجد.

میزان مشارکت سیاسی جوانان در حدّ بالا بوده، اما در این میان میزان مشارکت جوانان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی در حدّ زیاد و میزان مشارکت آنان در انتخابات شوراها در حدّ متوسط است.

عضویت انجمنی جوانان در حدّ کم ارزیابی شده است. در این میان تنها عضویت آنان در پایگاه‌های بسیج نسبت به سایر تشکّل‌ها در حدّ متوسط ارزیابی شده است.

۵- میزان احساس امنیت اجتماعی پاسخ‌گویان تا چه اندازه است؟

میانگین احساس امنیت زنان جوان ۳/۷۸ (متوسط)، مردان جوان ۳/۲۸ (متوسط) و میانگین کل احساس امنیت پاسخ‌گویان (۳/۳۴) متوسط است. در بررسی رتبه‌بندی میانگین ابعاد مختلف

احساس امنیت زنان و مردان تفاوتی مشاهده نشده و در دو جنس احساس امنیت محلی بیش‌تر از احساس امنیت عمومی است. امنیت محلی یا محله‌ای شامل میزان وقوع جرائم در محلات است و امنیت عمومی شامل میزان احساس آزادی بیان فرد، میزان اطمینان از مورد سرقت قرار نگرفتن منزل و وسیله‌ی نقلیه در غیاب شخص و نیز شامل میزان احساس امنیت از قدم زدن به تنهایی در شهر است. میانگین به‌دست آمده (۳/۵۵) بیان‌کننده‌ی آن است که میزان اعتقاد جوانان به وجود امنیت محلی در حدّ متوسط است. آسیب‌های رایج در محله به ترتیب رتبه عبارت‌اند از: نزاع و درگیری، سرقت و شیوع اعتیاد.

به‌طور کلی میانگین نگرش جوانان نسبت به امنیت عمومی جامعه در حدّ متوسط است. نگرانی‌های جوانان در باب امنیت عمومی به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: آسیب رسیدن به اتومبیل میهمانان، قدم زدن در شب و مورد سرقت قرار گرفتن منزل است.

۶- میزان بهره‌گیری پاسخ‌گویان از رسانه‌ها و اطلاعات آنان تا چه اندازه است؟

میانگین اطلاعات زنان پاسخ‌گو ۲/۶ (متوسط)، مردان پاسخ‌گو ۲/۶ (متوسط) و میانگین کل میزان آگاهی و اطلاع و بهره‌گیری جوانان از رسانه‌های ارتباط‌جمعی در حدّ متوسط است (۲/۵۱). ضمناً در رتبه‌بندی دوجنس از میزان اطلاع و میزان بهره‌مندی از منابع تفاوتی مشاهده نشده است و میزان اطلاع و آگاهی بیش‌تر از میانگین استفاده از منابع است، اما در این میان پاسخ‌گویان مرد اظهار کرده‌اند که میانگین آنان در هر دو مورد بیش‌تر از زنان است.

میزان استفاده‌ی جوانان از تلویزیون در حدّ متوسط و سایر رسانه‌ها نظیر روزنامه، اینترنت، رادیو و ماهواره در حدّ اندک است. میزان احساس آگاهی جوانان در حدّ متوسط است تصور آنان بر این است که میزان آگاهی آنان به ترتیب از مسائل کشور، مسائل استان در رده‌ی سوم مسائل جهان زیاد است.

۷- میزان اعتقاد پاسخ‌گویان به هنجارهای اجتماعی تا چه اندازه است؟

میانگین اعتقاد به هنجارهای اجتماعی نزد پاسخ‌گویان زن ۲/۶۷ (متوسط)، پاسخ‌گویان مرد ۲/۹۳ (متوسط) و میانگین اعتقاد به هنجارها در میان پاسخ‌گویان زن و مرد متوسط است (۲/۷۳). از لحاظ رتبه‌بندی میانگین هنجارها در میان پاسخ‌گویان زن و مرد تفاوت آن چنانی مشاهده نشد، جز در یک مورد که بر اساس آن مردان رعایت حمایت اجتماعی را بر ارزش زندگی مقدم دانسته،

در حالی که زنان ارزش زندگی را مقدم بر حمایت اجتماعی می‌دانند. میزان مداخله‌ی مدنی هر دو جنس در حدّ اندک است. مداخله‌ی مدنی به احساس مسؤولیت افراد در حل مسائل و مشکلات محله اطلاق می‌شود. بالاترین میانگین رعایت هنجارها مربوط به وساطت اجتماعی است؛ به عبارتی دیگر جوانان تمایل زیاد برای حل اختلافات میان افراد دارند. جوانان احساس رضایت از زندگی را در رده‌ی دوم اهمیت قرار داده‌اند. حمایت اجتماعی که شامل انجام دادن کمک به افراد بدون انتظار چشم‌داشت است در رده‌ی سوم قرار داده‌اند. شعاع ارتباطات یا میزان ایمان به کمک‌های دیگران در هنگام نیاز در رده‌ی چهارم است. همیاری اجتماعی نیز در رده‌های آخر قرار گرفته است. به‌طور کلی میانگین به دست آمده (۳/۶۶) بیان‌کننده‌ی آن است که میزان وساطت اجتماع جوانان در حدّ متوسط است. در این میان وساطت جوانان در حل مشکلات خانوادگی زیاد و در حل مشکلات دوستان و همسایه‌ها در حدّ متوسط است.

میزان حمایت اجتماعی جوانان استان در حدّ متوسط است. گوش دادن به درد دل دیگران در اولویت اول و قرض دادن منزل برای مراسم در اولویت آخر قرار گرفته است. احساس ارزش زندگی در نزد جوانان در حدّ متوسط است. رضایت از زندگی در اولویت اول و احساس ارزشمندی از سوی جامعه و رضایت از گذشته در اولویت‌های دوم و سوم قرار دارند. به‌طور کلی میانگین همیاری اجتماعی جوانان در حدّ متوسط پایین است. در این میان کمک جوانان به سالمندان، مستمندان بیش‌تر از کمک به ساخت مسجد، کمک به سیل زدگان و تأمین جهیزیه است. میزان مداخله‌ی مدنی جوانان در سطح نازل و اندکی است.

میانگین به دست آمده (۲/۸۱) بیان‌کننده‌ی آن است که میزان شعاع ارتباطات جوانان در حدّ متوسط است. جوانان تا حدّ زیادی در راستای رفع و رجوع مشکلات خانوادگی خود تلاش می‌کنند؛ اما میزان این تلاش برای دوستان و بستگان در حدّ متوسط و برای رفع مشکلات همسایه‌ها در حدّ کم است.

بررسی فرضیات

از میان تمامی فرضیات تحقیق تنها فرضیه‌ای با احتیاط پذیرفته شد که داعیه دار وجود تفاوت معنی‌دار میان سرمایه‌ی اجتماعی زنان و مردان است.

جدول شماره‌ی چهار- مقایسه‌ی میانگین سرمایه‌ی اجتماعی زنان و مردان با استفاده از آزمون تی

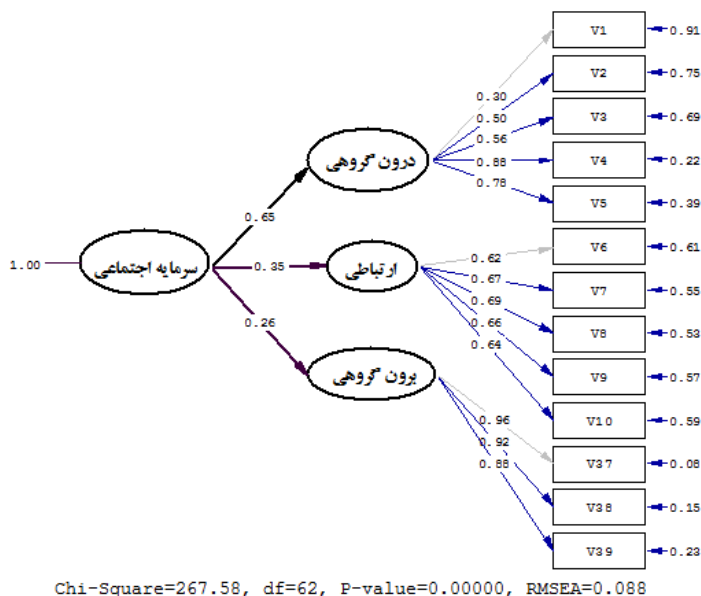
جنس	تعداد	میانگین	اختلاف میانگین	انحراف معیار	sig	نتیجه
زن	۲۱۶	۲/۸۰	۰/۸۵	۰/۴۱	۰/۰۲۷	پذیرش HI
مرد	۲۰۷	۲/۸۸		۰/۳۷		

بر اساس داده‌های جدول شماره‌ی چهار، از آن‌جا که سطح معنی‌داری محاسبه شده بر اساس آزمون t گروه‌های مستقل ($Sig=0/027$) کمتر از $0/05$ است، فرضیه‌ی تحقیق مورد پذیرش واقع می‌شود. به عبارتی دیگر میان میزان سرمایه‌ی اجتماعی پاسخ‌گویان زن و مرد تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌شود.

سایر فرضیات تحقیق که داعیه دار وجود رابطه میان: محل سکونت (شهر- روستا)، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال، در قید حیات بودن والدین، محل سکونت قبلی و سابقه‌ی سکونت در محله و سرمایه‌ی اجتماعی‌اند مورد تأیید قرار نگرفتند.

تحلیل عامل تأییدی با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری

برای اندازه‌گیری مفهوم نهفته‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، از تحلیل عامل تأییدی استفاده شده است. بر اساس ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی و شاخص‌های هر کدام از ابعاد این اندازه‌گیری صورت می‌گیرد. مدل زیر بر اساس مقادیر استاندارد شده طراحی شده است.



بر اساس مدل فوق، سرمایه‌ی اجتماعی از طریق ابعاد درون گروهی، برون گروهی و ارتباطی اندازه‌گیری شده است. بار عاملی مربوط به سرمایه‌ی اجتماعی درون گروهی، برون گروهی و ارتباطی به ترتیب برابر با ۰/۶۵، ۰/۲۶ و ۰/۳۵ است. مقادیر سطح معناداری نیز برای هر کدام از روابط بزرگ‌تر از ۱/۹۶ بوده که بیان‌کننده‌ی معناداری آماری رابطه است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

میزان سرمایه‌ی اجتماعی محاسبه شده نزد جوانان استان ۲/۸۴ (از ۵) و در حد متوسط بوده است. زنان جوان دارای میانگین سرمایه‌ی اجتماعی ۲/۸۰ و مردان جوان ۲/۸۸ بوده که هر دو در سطح متوسط هستند. یافته‌های پژوهشی، ملأ حسنی (۱۳۸۱)، موسوی (۱۳۸۶)، حقیقیان، ربانی، کاظمی، خنده رو (۱۳۸۷) کاظمی (۱۳۸۷) گروسی (۱۳۸۷) و سپیدنامه (۱۳۸۹) که داعیه دار متوسط بودن میانگین سرمایه‌ی اجتماعی در نمونه های آماری مورد پژوهش‌اند، مؤید یافته‌های این پژوهش است. یافته‌های پژوهشی ملاحسنی، موسوی و سپیدنامه نیز بیان‌کننده‌ی بالاتر بودن میانگین سرمایه‌ی اجتماعی پسران نسبت به دختران است. فرضیه‌ی تحقیق نیز وجود تفاوت معنی‌دار میان دو جنس را تأیید کرده است. حضور بیش‌تر مردان در صحنه‌ی اجتماع مهم‌ترین

عامل افزایش میانگین سرمایه‌ی اجتماعی آنان نسبت به زنان است. اما کم بودن فاصله میان میانگین دو جنس نویدبخش حضور بیش‌تر زنان جوان ایلامی در عرصه‌ی اجتماعی است. ایلام از جمله استان‌هایی است که در حال سپری کردن دوران‌گذار است. به عبارتی دیگر در حال ترک کردن جامعه‌ی سنتی به قصد رسیدن به جامعه‌ی توسعه‌یافته است. دوران گذار علی‌رغم آشفتگی‌هایی که در ایستارهای افراد به‌وجود آورده حامل نتایج مثبتی نیز بوده است که یک مورد آن تغییر موقعیت و منزلت اجتماعی زنان در جامعه است.

انواع مختلف سرمایه‌ی اجتماعی جوانان استان به ترتیب میانگین نمرات کسب شده شامل: سرمایه‌ی ارتباطی (۲/۶۹)، درون‌گروهی (۲/۶۲) و برون‌گروهی (۲/۵۸) است. میانگین هر کدام از انواع سرمایه‌ی اجتماعی نزد پاسخ‌گویان در حدّ متوسط است. بالاتر بودن میانگین سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی نسبت به سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی نیز طبیعی است. و از خصلت سرمایه‌ی درون‌گروهی پیروی می‌کند. بافت ایلی قبیله‌ای استان ضرورت انتخاب کنش‌های خاص گرایانه را نسبت به کنش‌های عام‌گرایانه بیش‌تر کرده است.

بر اساس میانگین‌های به دست آمده که بیان‌کننده‌ی رتبه‌بندی عناصر تشکیل دهنده‌ی اعتماد میان‌شخصی جوانان‌اند، پاسخ‌گویان بیش‌ترین اعتماد را به افراد خانواده داشته‌اند. اعتماد جوانان به بستگان و دوستان و همسایه‌ها در حدّ متوسط بوده و اعتماد آنان به هم‌محله‌ای‌ها در حدّ کم ارزیابی شده است. بر اساس تحقیق میرطاهر موسوی (۱۳۸۶) نیز «بالاترین احساس تعلق در میان جوانان نسبت به اعضای خانواده وجود داشته، پس از آن فامیل و خویشاوندان و دوستان قرار می‌گیرند. کم‌ترین تعلق هم نسبت به همشهری‌ها، اهالی محله، افراد هم قوم و هم مذهب وجود دارد. بر همین اساس میزان احساس تعلق به دیگران در حدّ کم رو به متوسط برآورد شده است».

یافته‌های پژوهش سپیدنامه (۱۳۸۹) نیز مؤید نتایج پژوهش موسوی است. بر اساس نتایج این تحقیق: «نگرش پاسخ‌گویان در خصوص رتبه‌بندی عوامل سازنده‌ی اعتماد میان‌شخصی، شبیه هم است. بیش‌ترین اعتماد افراد شامل اعتماد به اعضای خانواده است (۴/۷۱). بستگان (۳/۵۲)، دوستان (۳/۲۷)، همسایه‌ها (۲/۱۷) و هم‌محله‌ای‌ها (۱/۹۸) در درجه‌ی نازل‌تر اعتماد قرار دارند. در این میان میزان اعتماد افراد به همسایه‌ها و هم‌محله‌ای‌ها نیز در حدّ کم است. شاید با از میان رفتن بافت محله‌ها و به تبع آن زوال روابط همسایگان و افراد محله که پیامد گریزناپذیر دوران‌گذار است ناظر افول اعتماد افراد به همسایه‌ها و هم‌محله‌ای‌ها باشیم. اعتماد جوانان به خانواده می‌تواند فرصت مناسبی برای تسهیل فرایند اجتماعی‌شدن به حساب آید.

یکی از نتایج به دست آمده در «طرح ملی پیمایشی ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی مردم ایران» نشان می‌دهد که مردم به خانواده‌ی خود اعتماد بسیاری دارند و تنها ۱/۸ درصد افراد به خانواده‌ی خود اعتماد نداشتند. این نشان می‌دهد روابط اجتماعی درون‌گروهی در حد بالایی در ایران وجود دارد. ۴۹ درصد به اقوام و خویشان و ۴۴ درصد به دوستان خود اعتماد دارند (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰).

بوردیو خانواده را اساسی‌ترین شکل سرمایه‌ی اجتماعی، اصلی‌ترین مکان تجمع و انتقال آن می‌داند. خانواده‌ها منابع مهم سرمایه‌ی اجتماعی در همه جا هستند. فوکویاما معتقد است که خانواده می‌تواند اساسی‌ترین منبع سرمایه‌ی اجتماعی نیز باشد. خانواده مولدترین محل تولید سرمایه‌ی اجتماعی و بنابراین از ارکان فضیلت اجتماعی تقوای مدنی و مردم‌سالاری است نظریه بر این فرض استوار است که خانواده‌ها الگوهای روابط حسنه و فضایل اجتماعی را ارائه می‌دهند (روحانی، ۱۳۹۰).

کلمن از رابطه میان نوجوانان و والدینشان به عنوان شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی خانواده یاد می‌کند. این سرمایه شامل میزان علاقه‌ای است که نوجوانان به والدینشان دارند و با آن‌ها صمیمی‌اند. به عبارتی دیگر، کیفیت ارتباط میان اعضای خانواده و به طور کلی میزان روابط میان والدین و فرزندان شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی خانواده هستند (ورمزیار، ۱۳۸۷).

میزان اعتماد جوانان به ترتیب به: پلیس راهنمایی و رانندگی، پست، نیروی انتظامی، مراکز آموزشی، بیمارستان‌ها، مخابرات، بانک‌ها و دادگاه‌ها، صدا و سیما، شهرداری و مطبوعات کشوری، مطبوعات محلی و شورای شهر در حد متوسط است.

اعتماد پاسخ‌گویان به پزشکان، دندان‌پزشکان، رانندگان آژانس، رفتگران، رانندگان وسایل عمومی و کسبه و بازاریان در حد متوسط است، اما اعتماد آنان به بنگاه‌داران در حد پایین و اندک است.

یافته‌های پژوهش موسوی (۱۳۸۶) مؤید آن‌اند که: «در مجموع میزان اعتماد جوانان به نهادها در حد متوسط برآورد شده است. در میان گروه‌های اجتماعی موجود در جامعه، معلمان، پرستاران و پزشکان، استادان دانشگاه و زائران و نمازگزاران در امکان مقدس دارای بالاترین میزان اعتماد در میان جوانان هستند و کمترین اعتماد هم به ترتیب متعلق به بنگاه‌داران، تجار و بازاریان، فعالان سیاسی و کسبه بوده است.

به جز اعتماد به افراد غریبه و ناشناس که در حدّ پایینی است، پاسخ‌گویان سایر ابعاد اعتماد عمومی را به ترتیب رتبه شامل: امانتداری مردم، التزام مردم قول و قرار، عدم سوءاستفاده در کار گروهی و صداقت گفتار مردم را در حدّ متوسط دانسته‌اند.

بر اساس «قضیه‌ی انگیزه» از سری قضایای هومنز (نظریه‌ی مبادله) اگر در گذشته وقوع وضعیتی مشخص سبب شده است که فعالیت فرد به پاداش منتهی شود، هرچه وضعیت کنونی شبیه گذشته باشد احتمال این‌که فرد به همان فعالیتی مشابه آن دست بزند زیادتر است. (ادیبی و انصاری، ۱۳۸۵: ۲۷۴) اعتماد کم جوانان به بنگاه داران و افراد غریبه و ناشناس ریشه در هزینه‌ای دارد که در قبال این دو صنف پرداخته‌اند.

میانگین اعتماد اجتماعی زنان ۳/۰۰۲ (متوسط)، مردان ۳/۰۴۴ (متوسط) و میزان کل اعتماد اجتماعی پاسخ‌گویان (۳/۰۲۲) در حدّ متوسط است. میان رتبه بندی ابعاد مختلف اعتماد اجتماعی زنان و مردان تفاوت چندانی مشاهده نمی‌شود. با این وجود مردان اعتماد فردی را در رده‌ی دوم اهمیت و زنان در رده‌ی سوم قرار داده‌اند. از سویی دیگر زنان، اعتماد نهادی را در رده‌ی دوم، اما مردان در رده‌ی سوم دانسته‌اند. به عبارتی دیگر مردان نسبت به زنان به خانواده اعتماد بیش‌تری داشته‌اند و اعتماد زنان به نهادها بیش‌تر از مردان بوده است.

اعتماد به اصناف در نزد پاسخ‌گویان در رده‌های آخر قرار گرفته است، اما تصوّر مثبت جوانان به دوستان و محله مورد زندگی در اولویت اول قرار دارد.

میانگین مشارکت اجتماعی پاسخ‌گویان زن ۲/۶ (متوسط) پاسخ‌گویان مرد ۲/۷۹ (متوسط) و میانگین کل مشارکت اجتماعی ۲/۷۰ (متوسط) است. به طور کلی میانگین مشارکت اجتماعی مردان جوان بیش‌تر از زنان جوان است.

مشارکت انجمنی پاسخ‌گویان (۲/۷۰) متوسط است. ضمناً میان رتبه‌بندی سطوح مختلف مشارکت زنان و مردان تفاوتی مشاهده نشده و هر دو جنس به ترتیب میانگین، مشارکت سیاسی، عمومی و انجمنی را در رده‌های اول تا سوم قرار داده‌اند. در این میان سهم مشارکت سیاسی آنان بالا، اما سهم مشارکت انجمنی‌شان کم است.

به طور کلی میزان مشارکت عمومی جوانان در حدّ متوسط است، اما در این میان میزان مشارکت عمومی آنان به ترتیب میانگین و رتبه عبارت‌اند از: رفتن به کوه و پارک، شرکت در میهمانی فامیلی، حضور در مراسم روضه در مسجد، شرکت در مراسم فاتحه، شرکت در مراسم شادی همسایگان و شرکت در برنامه‌های شاد در مسجد.

میزان مشارکت سیاسی جوانان در حدّ بالا بوده، اما در این میان میزان مشارکت جوانان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی در حدّ زیاد و میزان مشارکت آنان در انتخابات شوراها در حدّ متوسط است. عضویت انجمنی جوانان در حدّ کم ارزیابی شده است. در این میان تنها عضویت آنان در پایگاه‌های بسیج نسبت به سایر تشکّل‌ها در حدّ متوسط ارزیابی شده است. یافته‌های پژوهش میر طاهر موسوی (۱۳۸۶) نیز تا حدّ زیادی با نتایج این پژوهش مطابقت دارد. بر اساس نتایج موسوی: میزان روابط انجمنی با ۴۹ درصد کم، ۳۵ درصد متوسط و ۱۶ درصد زیاد توصیف شده است. میزان هم‌کاری جوانان با گروه‌ها و نهادهای مدنی، کم رو به متوسط است. بالاترین سطح هم‌کاری به ترتیب به گروه‌های مذهبی، بسیج و گروه‌های ورزشی و کم‌ترین حدّ هم به گروه‌های سیاسی، صنفی و قومی تعلق دارد.

عضویت در نهادها کمتر از هم‌کاری با آن‌ها بوده و بالاترین درصد عضویت مربوط به بسیج و کمترین، مربوط به عضویت در گروه‌های سیاسی است. اکثر جوانان در برنامه‌ها و جلسات گروه‌ها و نهادهای مدنی مشارکت نداشته یا در حدّ کم شرکت کرده و کمک فکری و مالی کمی به این گروه‌ها و نهادها می‌کنند که در این میان پذیرش مسؤولیت‌های اجرایی هم بسیار کم است.

میزان پیوندها و اعتماد میان فردی جوانان کم است. بر پایه‌ی نتایج این بررسی، میزان رفت و آمد جوانان با دیگران کم برآورد شده است. در مجموع با در نظر گرفتن مؤلفه‌های مربوط به اعتماد میان‌فردی، میزان پیوندها و اعتماد میان‌فردی جوانان کم بوده است، به نحوی که بالاترین میزان به مشارکت در فعالیتهای جمعی و کم‌ترین حدّ به دفعات رفت و آمد با دیگران اختصاص داشته است. یافته‌های پژوهشی ملیحه شیبانی و هم‌کاران (۱۳۸۸) گواه آن است که: ضعف سرمایه‌ی اجتماعی در میان جوانان به‌ویژه در بعد روابط انجمنی و اعتماد به ناآشنایان و مسؤولان است. عزیز حزباوی (۱۳۸۷) نیز به این نتیجه رسید که: میزان مشارکت اجتماعی جوانان در سطح نازلی قرار دارد.

میزان استقبال جوانان از تشکّل‌ها و انجمن‌های فرهنگی، هنری، ادبی، هنری، علمی و مذهبی در سطح پایینی ارزیابی شده است. نظام پاداش‌دهی این انجمن‌ها قابل مقایسه با سایر نهادها نیست. بر این اساس میزان استقبال جوانان از این پایگاه‌ها و مراکز مشابه آن بیش‌تر خواهد بود و این امر مبتنی بر تئوری انتخاب عقلانی است.

پایین بودن حجم فعالیت‌های انجمنی جوانان می‌تواند در کاهش سرمایه‌ی اجتماعی آنان مؤثر باشد. زیرا بر اساس نظریه‌ی «مازلو»^۱ نیازهای اجتماعی در طبقه‌ی سوم هرم نیازها قرار دارند. این نیازها شامل: دوستی، صمیمیت، خانواده‌ی پشتیبان و با روابط مناسب داشتن است.

میانگین احساس امنیت زنان جوان ۳/۷۸ (متوسط)، مردان جوان ۳/۲۸ (متوسط) و میانگین کل احساس امنیت پاسخ‌گویان (۳/۳۴) متوسط است. در بررسی رتبه‌بندی میانگین ابعاد مختلف احساس امنیت زنان و مردان تفاوتی مشاهده نشده و در دو جنس احساس امنیت محلی بیش‌تر از احساس امنیت عمومی است. امنیت محلی یا محله‌ای شامل میزان وقوع جرائم در محلات است و امنیت عمومی شامل میزان احساس آزادی بیان فرد، میزان اطمینان از مورد سرقت قرار نگرفتن منزل و وسیله‌ی نقلیه در غیاب شخص و نیز شامل میزان احساس امنیت از قدم زدن به تنهایی در شهر است. نیاز به امنیت جزء طبقه‌ی دوم هرم نیازهای «مازلو» قرار دارد این نیاز شامل: امنیت شخصی در برابر جرائم، امنیت مالی و شغلی، بهداشت و سالم بودن، امنیت در برابر حوادث و بیماری‌ها است. مازلو در رأس هرم، نیازهای متعالی را قرار داده و خود شکوفایی مهم‌ترین این نیازهاست. به اعتقاد او «خودشکوفایی»^۲ نیاز غریزی انسان برای استفاده‌ی حداکثر از همه‌ی قابلیت‌ها و استعدادهايش، تلاش برای شکوفا کردن همه‌ی پتانسیل‌ها و تبدیل شدن به بهترین چیزی که امکان بودنش را دارد است».

میانگین اطلاعات زنان پاسخ‌گو ۲/۶ (متوسط)، مردان پاسخ‌گو ۲/۶ (متوسط) و میانگین کل میزان آگاهی و اطلاع و بهره‌گیری جوانان از رسانه‌های ارتباط جمعی در حد متوسط است (۲/۵۱). ضمناً در رتبه‌بندی دوجنس از میزان اطلاع و میزان بهره‌مندی از منابع تفاوتی مشاهده نشده است و میزان اطلاع و آگاهی بیش‌تر از میانگین استفاده از منابع است، اما در این میان پاسخ‌گویان مرد اظهار کرده‌اند که میانگین آنان در هر دو مورد بیش‌تر از زنان است.

میزان استفاده‌ی جوانان از تلویزیون در حد متوسط و سایر رسانه‌ها نظیر روزنامه، اینترنت، رادیو و ماهواره در حد اندک است. بر اساس یافته‌های پژوهشی میرطاهر موسوی (۱۳۸۶)، جوانان تا حدی زیادی اخبار و وقایع کشور را پیگیری می‌کنند، ولی در حدود نیمی از آنان از یک رسانه و پس از آن دو رسانه جهت کسب اخبار بهره می‌گیرند که اتکا به یک رسانه در کسب اطلاعات و

¹ maslow

² Self-actualization

آگاهی در زمینه‌ی مسائل و وقایع کشور قابل تأمل است. یافته‌های پژوهشی سپیدنامه (۱۳۸۹) نیز مؤید آن است که پاسخ‌گویان از تلویزیون نسبت به سایر رسانه‌ها بیش‌تر استفاده می‌کنند. پوتنام در زمینه‌ی یافتن ریشه‌های کاهش سرمایه‌ی اجتماعی، انگشت بر تلویزیون می‌گذارد محتوای برنامه‌های تلویزیون باعث افزایش بدبینی نسبت به ماهیت انسانی شده و می‌گوید: اعتماد مبتنی بر زمینه‌های مشترک را تضعیف می‌کند. در این حالت، سایر شرایط خانوادگی که ملازم افزایش یا کاهش سرمایه‌ی اجتماعی هستند، در مقایسه با تماشای تلویزیون رنگ می‌بازند. در مقایسه با میزان تحصیلات، درآمد، سن، نژاد، محل زندگی، وضعیت کاری و جنسیت، تماشای تلویزیون ارتباط نیرومند و منفی با اعتماد اجتماعی و عضویت در گروه‌ها از دیدگاه پوتنام، تجربه‌ی چهار دهه‌ی گذشته شاهد کاهش کلی یک چهارم تا نیمی از سرمایه‌ی اجتماعی در امریکاست (روحانی: ۱۳۹۰).

میانگین اعتقاد به هنجارهای اجتماعی نزد پاسخ‌گویان زن ۲/۶۷ (متوسط)، پاسخ‌گویان مرد ۲/۹۳ (متوسط) و میانگین اعتقاد به هنجارها در میان پاسخ‌گویان زن و مرد متوسط است (۲/۷۳). از لحاظ رتبه‌بندی میانگین هنجارها در میان پاسخ‌گویان زن و مرد تفاوت آن‌چنانی مشاهده نشد، جز در یک مورد که بر اساس آن مردان رعایت حمایت اجتماعی را بر ارزش زندگی مقلّم دانسته در حالی که زنان ارزش زندگی را مقلّم بر حمایت اجتماعی می‌دانند. میزان مداخله‌ی مدنی هر دو جنس در حدّ اندک است. مداخله‌ی مدنی به احساس مسؤولیت افراد در حل مسائل و مشکلات محله اطلاق می‌شود. بالاترین میانگین رعایت هنجارها مربوط به وساطت اجتماعی است؛ به عبارتی دیگر جوانان تمایل زیاد برای حل اختلافات میان افراد دارند. جوانان احساس رضایت از زندگی را در رده‌ی دوم اهمیت قرار داده‌اند. حمایت اجتماعی که شامل انجام دادن کمک به افراد بدون انتظار چشم‌داشت است در رده‌ی سوم قرار داده‌اند. شعاع ارتباطات یا میزان ایمان به کمک‌های دیگران در هنگام نیاز در رده‌ی چهارم است. همیاری اجتماعی نیز در رده‌های آخر قرار گرفته است.

بر اساس یافته‌های پژوهشی میرطاهر موسوی (۱۳۸۶) ۴۱ درصد پاسخ‌گویان احساس ارزشمندی را کم، ۲۰ درصد متوسط و ۳۹ درصد زیاد توصیف کرده‌اند. در شاخص هنجارها و اعتماد اجتماعی، ۳۷ درصد آن را کم، ۳۴ درصد متوسط و ۲۹ درصد زیاد اعلام کرده‌اند. پیوند و اعتماد میان‌فردی نیز به‌عنوان یکی دیگر از شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی با ۴۵ درصد کم،

۲۷ درصد متوسط و ۲۸ درصد زیاد توصیف شده است. حمایت اجتماعی ۲۴ درصد کم، هفت درصد متوسط و ۶۹ درصد زیاد به دست آمده است.

پایین آمدن حجم مداخلات مدنی، شعاع ارتباطات، حمایت‌ها و همیاری‌های اجتماعی می‌تواند پیامد دوران‌گذار باشد که به از میان رفتن بافت محله منجر شد.

«در جامعه‌ی امروز شهری، برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار شهر، محلات بنیادی‌ترین عناصر شهری و حلقه‌ی واسط میان شهر و شهروندان هستند. از گذشته‌های دور محله‌های شهرها در شکل‌دهی و سازماندهی امور شهری جایگاهی ویژه داشتند. هر محله با ارائه‌ی خدمات روزمره‌ی مورد نیاز خود و با ایجاد نمادهای محله‌ای و ویژگی‌های خاص موجب می‌شد ساکنان آن نوعی احساس تعلق و نوعی هویت داشته باشند تا جایی که هر شهروند با نام محله‌ای که در آن می‌زیسته شناخته می‌شد.

با تحولات سریع دوران معاصر ورود به مرحله‌ی گذار و تغییر زیربنای معیشتی و روابط اجتماعی، این فعالیت به هم ریخت. در گذشته برای مدیریت آبادانی، پاکسازی و ایجاد امنیت و ... از اهالی محله مشارکت می‌خواستند و در تمام مسائل مربوط به محله، نقش شهروندان حائز اهمیت بود.

ولی به مرور این نقش از مردم برداشته شد و ساکنان محله‌ها از هویت خاص محله خود تهی شدند. در چنین وضعیتی شهروندان خود را منفعل و جدا از محله و شهر احساس می‌کردند و هم‌چنین مسائل شهر در غیبت شهروندان اداره می‌شد. در این میان محله‌ها و شهر وضعیت ناپایداری می‌یابند و تعهد در این جامعه به عنوان فرصتی برای با فضیلت شدن و خدمت به جامعه تلقی نمی‌شود.

بنابراین محله رکنی است میان خانواده و شهر. محله از خانه‌های مجاور هم در یک فضای جغرافیایی خاص تشکیل می‌شود و خانواده نسبت به محله‌ی مسکونی خود احساسی مشابه خانه‌ی مسکونی خود را دارد و با ورود به محله خود را در یک محیط آشنا و خودی مثل خانه می‌بیند. محله از تجمع و به هم پیوستگی، معاشرت نزدیک، روابط محکم همسایگی و اتحاد غیر رسمی میان گروهی از مردم به وجود می‌آید.

به‌طور کلی باید گفت زیست شهری ایرانیان در سه لایه‌ی متقاطع صورت می‌گیرد. خانه‌ی مسکونی، محله‌ی شهری، شهر. یافته‌ها، آموزه‌ها و تجربه‌های علمی نشان می‌دهد استوارترین و پرشورترین فضای زیستی شهروندان محله‌ها هستند. چرا که بررسی‌ها نشان می‌دهد انسان ایرانی

بیش از آن که در گستره‌ی خانه یا گستره‌ی بازار و پهنه‌ی فراگیر شهر حضور داشته باشد، در محله‌ی خود حضور و عینیت داشته است.

پیش از این جمعیت محله‌ها از کسانی تشکیل می‌شد که از جهت شغل یا اعتقادات دینی و یا سابقه‌ی قومی بسیار به یک‌دیگر شبیه بودند و به اصطلاح به فرهنگ مشترکی خو گرفته و از هنجارهای آن پیروی می‌کردند.

به‌طور کلی ویژگی مهم و مثبت محله داشتن نوعی روح جمعی بود که مظاهر آن وحدت و پیوستگی افراد به یک‌دیگر و احساس یگانگی و نیز آمادگی برای مساعدت و هم‌کاری در راه حفظ شعار محله و بهبود اوضاع آن بود. متأسفانه برای تحولات سیاسی دو قرن اخیر و پدید آمدن ملت در برابر دولت و مرکزیت آن و دگرگونی اقتصادی و اجتماعی مانند: مهاجرت، به‌وجود آمدن شهرهای بزرگ و نفوذ پذیری فرهنگ غربی و ... محله رفته رفته ساختار و کارکردهای دیرینه‌ی خود را از دست داد و به «منطقه» یعنی واحدی که دولت برای اجرای برنامه‌های خود بر ساخته است، تبدیل شد.

در چنین جمعیتی افراد با داشتن فرهنگ‌ها و عادات و آداب گوناگون و ... برحسب اتفاق در کنار یک‌دیگر سکنی گزیده و خود را در برابر دولت و نسبت به آن طلب‌کار می‌دیدند. در واقع ساکنان مناطق جدید به‌جای آن‌که مانند محله‌ی قدیم، خود را در امور آن سهیم و در برابر پیشامدها مسؤول بدانند، از دولت می‌خواهند که همه‌ی مشکلات را حل کند.

از آن‌جا که خانواده نخستین نهاد و کانون فرهنگ ساز و منش‌آفرین در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود لذا انسان‌ها خواه ناخواه به این مرزها و رده‌ها وابسته و پایبند هستند. این وابستگی هنگامی بیش‌تر نمایان می‌شود که هر یک از این عرصه‌ها مورد تعدی و تازش بیرونی قرار گیرد. البته وابستگی به این عرصه‌ها با افزایش راه و وسعت آن در تقسیم رده‌بندی‌ها پیوندی عکس دارد. بر پایه‌ی این نظریه انسان‌ها به خانواده و پس از آن به محله، شهر، کشور و ... بیش‌ترین وابستگی را دارند. این وابستگی به محله در گذشته بسیار عمیق‌تر و کارسازتر بوده است، به طوری که ساکنین یک محله در صورت مشاهده تخریب و یا از میان رفتن منابع محلی به جنگ و ستیز یا مقاومت می‌پرداختند.

به واقع، محله همیشه تداعی‌کننده‌ی وجود زنجیره‌ای از خانواده‌ها با بسیاری از ویژگی‌ها و بازخوردها و ارزش‌های فرهنگی نسبتاً مشابه در حیطه‌ی جغرافیایی با بافت و محدوده‌ی مشخص است.

از یک نگاه، محله می‌تواند خود یک شهرک باشد. زمانی که وسعت یک محله به‌طور قابل توجهی افزایش می‌یابد، ناظر پدید آمدن و تولد واژه‌ها و مفاهیمی هم‌چون پایین محله، بالامحله، محله‌ی اصلی، محله‌ی جدید و نظایر آن می‌شویم.^۱

از میان تمامی فرضیات تحقیق، تنها فرضیه‌ای با احتیاط پذیرفته شد که داعیه دار وجود تفاوت معنی‌دار میان سرمایه‌ی اجتماعی زنان و مردان است و سایر فرضیات تحقیق که داعیه دار وجود رابطه میان: محل سکونت (شهر- روستا)، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال، در قید حیات بودن والدین، محل سکونت قبلی و سابقه‌ی سکونت در محله و سرمایه‌ی اجتماعی‌اند مورد تأیید قرار نگرفتند. و این امر با یافته‌های سایر پژوهش‌ها هم‌خوانی ندارد. برای نمونه به یافته‌های پژوهشی زیر توجه کنید.

میرطاهر موسوی (۱۳۸۶) به این نتیجه رسید که میان میزان سرمایه‌ی اجتماعی با شهرها و روستاهای محل سکونت رابطه‌ی معناداری وجود دارد. بالاترین میزان سرمایه‌ی اجتماعی در میان جوانان روستایی (۳۸ درصد) و پس از آن ساکن در شهرهای مرکز استان (۳۰ درصد) وجود دارد. بنابراین زندگی در روستاها و پس از آن شهرهای مرکز استان بر افزایش سرمایه‌ی اجتماعی تأثیر دارد که با حفظ سنت‌ها و روابط درون گروهی همراهی است.

کی‌هان کیم (۲۰۰۴) در یک مطالعه‌ی پیمایشی، برخی از زمینه‌های خانواده را (سرمایه‌ی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) برادامه تحصیل از دوره‌ی راهنمایی تا مقطع تحصیلات تکمیلی مورد مطالعه قرار داده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که با بالا رفتن سطوح تحصیلی، نقش سرمایه‌ی اجتماعی خانواده‌ها نیز افزایش می‌یابد (کاظمی، ۱۳۸۷).

سطح تحصیلات از موارد اصلی شرایط خانوادگی یا فردی است که پوتنام متوجه شد که با افزایش سرمایه‌ی اجتماعی همراه است. حتی زمانی که تأثیرات درآمد و شأن اجتماعی بر عضویت در گروه مدّ نظر قرار داده می‌شود، تحصیلات باز هم عامل اصلی است. افراد تحصیل کرده به احتمال بسیار بیشتری به گروه پیوسته و مورد اعتماد قرار می‌گیرند که بخشی از آن به علت وضعیت اقتصادی بهتر آن‌ها است. ولی علت مهم تر، برخورداری از مهارت‌ها، منابع و تمایلاتی است که در خانه و مدرسه کسب کرده‌اند (روحانی، ۱۳۹۰).

گرچه در پژوهش‌های مربوط به سرمایه‌ی اجتماعی تأکید کافی بر نقش خانواده‌ها در ساخت سرمایه‌ی اجتماعی، خواه در چارچوب شبکه‌های خانوادگی یا حتی شبکه‌های اجتماعی نمی‌شود،

^۱ <http://shahrebehesht.ir/tabid>

در عوض تأکید بیش از حدی بر میزان زمان نسبتاً اندکی که هر فرد صرف هم‌کاری با انجمن‌های داوطلبانه می‌کند، شده است. این گونه فعالیت داوطلبانه نمی‌تواند مهم‌ترین به‌گفته‌ی نورتون، شبکه برای توسعه‌ی هنجارهای اعتماد و عمل متقابل باشد اگر می‌خواهیم نظریه‌ی جامع‌تری در مورد ارتباط میان جامعه‌ی مدنی و سرمایه‌ی اجتماعی ارائه دهیم، نمی‌توانیم نهادهایی را که میزان مشارکت در آن‌ها بسیار بیش‌تر از انجمن‌های داوطلبانه است، نادیده بگیریم؛ نهادهایی مانند خانواده‌ها، مدارس و شرکت‌ها. به احتمال بسیار زیاد «همین نهادها و نه انجمن‌های داوطلبانه هستند که خالق اصلی شبکه‌های اجتماعی می‌باشند. برخی از اندیشمندان علوم اجتماعی زندگی خانوادگی را به عنوان سنگ بنای سرمایه‌ی اجتماعی معرفی کرده‌اند: بوردیو خانواده را اساسی‌ترین شکل سرمایه‌ی اجتماعی و اصلی‌ترین مکان تجمع و انتقال سرمایه‌ی اجتماعی می‌داند. خانواده‌ها منابع مهم سرمایه‌ی اجتماعی در همه جا هستند. فوکویاما معتقد است که خانواده می‌تواند اساسی‌ترین منبع سرمایه‌ی اجتماعی نیز باشد. خانواده مولدترین محل تولید سرمایه‌ی اجتماعی و بنابراین از ارکان فضیلت اجتماعی تقوای مدنی و مردم‌سالاری است. نظریه بر این فرض استوار است که خانواده‌ها الگوهای روابط حسنه و فضایل اجتماعی را ارائه می‌دهند (روحانی، ۱۳۹۰).

کلمن از رابطه میان نوجوانان و والدینشان به عنوان شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی خانواده یاد می‌کند. این سرمایه شامل میزان علاقه‌ای است که نوجوانان به والدینشان دارند و با آن‌ها صمیمی‌اند. به عبارتی دیگر، کیفیت ارتباط میان اعضای خانواده و به‌طورکلی میزان روابط میان والدین و فرزندان شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی خانواده هستند (ورمزیار، ۱۳۸۷).

پوتنام دریافت که از نظر اهمیت ازدواج برای تشکیل سرمایه‌ی اجتماعی و با لحاظ کردن اختلافات تحصیلی، سنی و نژادی، مردان و زنان متأهل یک سوم بیش‌تر از مردان و زنان مجرد قابل اعتماد هستند و ۱۵ تا ۲۵ درصد بیش‌تر از آن‌ها عضو گروه‌های مختلف می‌شوند. وی نتیجه می‌گیرد که ازدواج موفق، به خصوص در صورتی که فرزندان نیز در خانواده وجود داشته باشند، از نظر آماری با افزایش اعتماد و فعالیت‌های اجتماعی همراه است (روحانی، ۱۳۹۰).

منابع و مآخذ

۱. ادیبی، حسین، انصاری، عبدالمعبود (۱۳۸۵) *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، چاپ اول، تهران: جامعه.
۲. بریس، نیکلا، ریچارد کمپ و رزمی سنگار (۱۳۸۴) *تحلیل داده‌های آماری با برنامه اس.پی.اس (ویرایش‌های ۸ و ۹ و ۱۰)*، ترجمه‌ی خدیجه علی‌آبادی و علی صمدی، تهران: دوران.
۳. تاجبخش کیان، ثقفی، مراد و کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۲) «*سرمایه‌ی اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی*»، *فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی*، زمستان ۱۳۸۲؛ ۳(۱۰)، ص ۱۵۵-۲۰۰.
۴. توسلی، غلامعباس و موسوی، مرضیه (۱۳۸۴) «*مفهوم سازی در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه‌ی اجتماعی*»، *نامه‌ی علوم اجتماعی*، دوره‌ی ۱۱، شماره‌ی ۲۶، ص: ۱-۳۲.
۵. حزب‌بوی، عزیز (۱۳۸۷) «*بررسی میزان و علل مشارکت اجتماعی جوانان شهر اهواز*»، *فصلنامه‌ی توسعه انسانی*، سال دوم، شماره‌ی ۴.
۶. حسینی، سید امیر حسین، علمی، زهرا (میلا) و شارع‌پور، محمود (۱۳۸۶) «*رتبه‌بندی سرمایه‌ی اجتماعی در مراکز استان‌های کشور*»، *فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره‌ی ۲۶، ص: ۵۹.
۷. حقیقتیان، منصور، ربانی، رسول و کاظمی، سهیلا (۱۳۸۷) «*تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر فعالیت شغلی دبیران مقطع متوسطه‌ی شهرستان اصفهان*»، *دانش و پژوهش در علوم تربیتی*، دانشگاه آزاد واحد خوراسگان (اصفهان) شماره‌ی هفدهم و هیجدهم، بهار و تابستان، ص ۱۴۷-۱۶۴.
۸. *خنده رو، مهدی (۱۳۸۷) «بررسی سرمایه‌ی اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در سطح محله» (مطالعه‌ی موردی: محله‌های منطقه‌ی ۹ شهرستان مشهد)*، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.
۹. رنایی، محسن و عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۵) «*سرمایه‌ی اجتماعی و رشد اقتصادی*»، *مجله‌ی پژوهش دانشگاه اصفهان*، جلد بیست و یکم شماره‌ی ۲، ص ۱۳۳-۱۵۱.
۱۰. روحانی، حسن (۱۳۹۰) «*خانواده سنگ زیر بنای سرمایه‌ی اجتماعی*»، *فصلنامه‌ی راهبر*، سال نوزدهم، شماره‌ی ۵۹، تابستان، ص: ۷-۴۶.
۱۱. روشنفکر، پیام و ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۵) «*جوانان، سرمایه‌ی اجتماعی و رفتارهای داوطلبانه*»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، دوره‌ی ۶ شماره‌ی ۲۳، ص: ۹۳-۱۱۱.
۱۲. سپیدنامه، بهروز (۱۳۸۹) *بررسی میزان سرمایه‌ی اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه استان ایلام*، سازمان آموزش و پرورش استان ایلام.
۱۳. مجموعه مقالات مبانی مفهومی سرمایه‌ی اجتماعی (۱۳۸۷)، ترجمه‌ی محمد مهدی شجاعی باغینی و همکاران. تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۱۴. شیبانی، ملیحه، موسوی، میرطاهر و مدنی فهقرخی، سعید (۱۳۸۸) «سرمایه‌ی اجتماعی جوانان در ایران»، *مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران*، سال دهم، شماره‌ی ۳ (پیاپی ۲۷)، پاییز، ۱۳۸۸:ص: ۵۷-۸۴ .
۱۵. عبداللهی محمد و امینی، سعیده (۱۳۸۶) «تحلیل جامعه‌شناختی دگردوستی در ایران (مطالعه موردی شهر تهران)»، *مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران*، شماره‌ی ۳۱ پاییز، ص: ۲۸ - ۵۰ .
۱۶. غفاری غلام رضا و اونق نازمحمد (۱۳۸۵) «سرمایه‌ی اجتماعی و کیفیت زندگی»، *مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران*، بهار، ص: ۱۵۹-۱۹۹ .
۱۷. کاظمی، مه‌ری (۱۳۸۷) *بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر سرمایه‌ی اجتماعی (مطالعه‌ی موردی: دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر اصفهان)*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
۱۸. گروسی سعید و نقوی، علی (۱۳۸۷) «سرمایه‌ی اجتماعی و کیفیت زندگی در شهر کرمان»، *فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی*، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، ۸(۳۰-۳۱)، ص: ۶۱-۸۲.
۱۹. گودرزی، سعید (۱۳۸۸) کاربرد آمار در علوم اجتماعی: همراه با دستورات SPSS و نحوه‌ی تفسیر خروجی‌ها، تهران: جامعه‌شناسان.
۲۰. لیتل، دانیل (۱۳۷۳) *تیین در علوم اجتماعی (در آمدی بر فلسفه علم الاجتماع)*، ترجمه‌ی عبدالکریم سروش، تهران: موسسه فرهنگی صراط.
۲۱. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۱) «آسیب‌شناسی بیگانگی اجتماعی-فرهنگی بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌های دولتی تهران». *فصلنامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره‌ی ۲۶، زمستان، ص: ۱۱۹-۱۸۲ .
۲۲. محسنی، منوچهر (۱۳۷۹) *بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران*، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور، تهران.
۲۳. معینی، رضا و تشکر، زهرا (۱۳۸۱) «نگاهی به سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه»، *فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی*، شماره‌ی ۴، تابستان، ص: ۲۵-۴۲ .
۲۴. ملاحسنی، حسین (۱۳۸۱) *بررسی رابطه‌ی میان میزان سرمایه‌ی اجتماعی و نوع دینداری در میان دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان در استان گلستان*، پایان‌نامه‌ی مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
۲۵. مهرنوروزی، زهره (۱۳۸۴) «سرمایه‌ی اجتماعی و نقش نهادها»، *حدیث زندگی*، ۲۷ بهمن و اسفند، ص ۱۵ .

۲۶. موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵) «مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی»، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، شماره‌ی ۲۳، زمستان، ص ۶۷.

۲۷. ورمزیار، مهدی (۱۳۸۷) «بررسی وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی خانواده در میان دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان شهر سنندج»، نشریه‌ی زیربار، سال دوازدهم شماره‌ی ۶۵ و ۶۶ بهار و تابستان، ص: ۱۴۳.

28. Labonte, Ronald, (1999), **Social capital and community development**, Australian and New Zealand Development of Public Health, 23: 430-453.

29. Paxton Pantela, (1999), **Is social capital declining in the united state? A multiple indicator assessment**, the American journal of sociology, V(105).

30. Putnam, Robert, D, (1995), **Bowling alone: americans declining social capital**, journal of democracy, 6: 65-78.

31. Woolcock, Michael and Narayan, Deapa, (2000), **Social Capital: Implications for Development Theory, research and policy**, World Bank Research Observer, V15(2), 235-249.

منابع الکترونیکی

<http://hastishenasi.persianblog.ir/post/94>

http://www.bahaneh.net/hall/topic_show.php?t=21894

<http://shahrebehesht.ir/tabid/61/View/Detail/id/1563/Default.aspx>

<http://shbidarian.blogfa.com/post-9.aspx>